

اهمیت تاریخی و جغرافیایی اخبار الاخبار

فی اسرار الابرار

از: علیم اشرف خان*

چکیده:

تذکره‌ای که اینجا معرفی می‌شود، «اخبار الاخبار فی اسرار الابرار» تالیف شیخ عبدالحق محدث دهلوی^۱ است که در سال ۱۰۰۱ (هزار و یک) هجری قمری کامل شده است و مولف دربارهٔ اثر خود چنین می‌گوید:

در این صحیفه شریفه که مجموعه‌ای است از عجایب اخبار و آثار و غرایب حقایق و اسرار از ابتدای زمان خواجه بزرگ معین الحق و الدین تا منتهای الف عاشره که تاریخ کتابت این کلمات متین است، آنچه از احوال اولیا و اصفیا و عرفا و مشایخ و بزرگان دین و مقتدایان ارباب یقین در کتب و رسایل و در ملفوظات مشایخ چشتیه و غیرهم در نظر آمده و از ثقات روات که جانب صدق ایشان راجح بلک متعین باشد با استعمال نوعی از تفرّس و اعتبار و امتحان و اختیار که واجب وقت کاتبان تاریخ و مستمعان اخبارست شنیده شد، نوشته آمد.^۲

* - عضو هیات علمی دانشگاه دهلی، بخش فارسی

زبانِ فارسی در هندِ قرونِ وسطی نه تنها زبانِ دربار بود بلکه بیشترِ واقعات و حوادث اجتماعی به این زبان نوشته می‌شد. واقعیت این است که زبان فارسی در هشتصد (۸۸۰) سال گذشته زبان تاریخ و ادبیات و فرهنگ بوده و بیشتر مورخان هند در قرونِ وسطی تاریخ را به همین زبان شیرین می‌نوشته‌اند. بنابراین، منابع دستِ اوّل تاریخ و تمدن و فرهنگِ قرونِ وسطای هند مثل طبقاتِ ناصری، تاریخ فیروزشاهی، اکبرنامه و بسیاری کتابهای دیگر بیشتر به زبان فارسی است. لازم است که تصحیح و چاپ باقیمانده کتابها نیز وجه همّت استادان زبان و ادبیات فارسی هند قرار گیرد. برای تدوین تاریخ هند دسترسی به این منابع بسیار حایز اهمیت است.

اخبار الاخبار به گفته خود نویسنده بر سه طبقه منقسم است.^۳

۱- طبقه اوّل: در ذکر خواجه بزرگ معین الحق والدین که سر حلقه مشایخ کبار و اقدم سلسله چشتیه این دیار است.

۲- طبقه دوّم: در ذکر شیخ فریدالحق والدین گنج شکر و معاصران و مریدان ایشان.

۳- طبقه سوّم: از زمان شیخ نصیرالدین محمود چراغِ دهلی و هکذا علی هذا الترتیب الی عصر ناهذا رحمة الله علیهم اجمعین.

بعد از این سه طبقه ذکر جماعتی از مجاذیب بی ملاحظه تقدّم و تأخر و همچنین جماعتی از صالحات بی ملاحظه مذکور ذکر شده است. اخبار الاخبار مستندترین و معتبرترین تذکره صوفیای هند است و علت آن این است که شیخ عبدالحق «محدث» بوده است و وقتی عالم حدیث به تالیف تذکره صوفیان پرداد، مشکل است که واقعات غیر مستند را آنجا بیاورد. مؤلف تذکره در ضمن ذکر احوال و آثار صوفیان، معلومات مفیدی درباره تاریخ و جغرافیای هند هم به دست می‌دهد. از این جهت این کتاب در عین حال می‌تواند یک کتاب تاریخی و جغرافیایی به شمار آید.

وقتی مؤلف تاریخ فیروزشاهی، ضیاءالدین برنی^۴ می‌گوید که «آنچه که من نوشته‌ام عین حق و راستی است» باید این گونه اطلاعات مورد بررسی قرار گیرد و درجه اهمیت و ارزش آن تعیین شود.

اگر ما به این تذکره نظری بیندازیم، متوجه می‌شویم که حایز اهمیت خاصی

است، چنانکه مولف در این تذکره اطلاعات مفیدی در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد. مثلاً وقتی دربارهٔ صوفی‌یی سخن می‌گوید، می‌گوید که او در زمانِ قُلان پادشاه اسیر شده بود، یا به دستِ مغول کشته شده بود، چند جا دربارهٔ اسامی بلاد و اماکن توضیح می‌دهد و می‌گوید که «شهر برهان پور به نام شیخ برهان‌الدین بنا شده بود». این اطلاع، هم تاریخی و هم جغرافیایی است.

دربارهٔ «ناگور» می‌نویسد که «قبلاً این شهر به نام نوانگر معروف بود و مغولها اسم این شهر را عوض کردند و ناگور گذاشتند». اخبار الاخبار اطلاعاتی به دست می‌دهد که برای محققان تاریخ و جغرافیا بسیار مفید خواهد بود.

شیخ عبدالحق محدث دهلوی در ذکر حضرت خواجه معین‌الدین چشتی اجمیری واقعه‌ای را نقل می‌کند و می‌گوید: او در زمانِ پتهورارای^۵ به اجمیر آمد و به عبادت مولیٰ مشغول شد و پتهورا نیز در آن زمان در اجمیر بود. روزی از پیوستگانِ خواجه قدس سره را به سببی از اسباب رنجانید آن مسلمان التجا به خدمت او آورد، خواجه به شفاعت بر پتهورا گفته‌یی فرستاد، پتهورا گفتهٔ شیخ را قبول نکرد و گفت: این مرد در اینجا آمده است و نشسته سخنانِ غیب می‌گوید. چون این سخن به خواجه رسید، فرمود که پتهورا را زنده گرفتیم و دادیم. هم در آن ایام لشکر سلطان معزالدین^۶ سام از غزنین رسید و پتهورا مقابل لشکر اسلام بایستاد و به دستِ معزالدین سام اسیر گشت و از آن تاریخ باز در این دیار اسلام شد.^۷

شیخ عبدالحق محدث دهلوی وجه تسمیه شهر اجمیر و تاریخ شهر ناگوار را چنین توضیح داده است:

وجه تسمیه اجمیر آن است که آجانام راجا بود از راجهای هندوی تا حد غزنین ملک به دست آورده بود. «آجا در زبانِ هند» آفتاب را و «مپر» به زبانِ هند «کوه» را گویند. در تاریخنامه‌های هندوان نوشته‌اند. اول دیواری که بر سرکوه در هندوستان بنیاد نهاده‌اند همین دیوارهاست که بر بالای کوه اجمیر است و اول حوضی که بر روی زمین در ملک هند کافتند پُهگر^۸ است، از اجمیر چهار گروه که هندوان را می‌پرستند و در هر سالی شش روز در وقت تحویل عقرب جمع می‌شوند و غسل می‌کنند و آنهایی که از ایشان قایل به قیامتند، می‌گویند که قیامت از همین حوض شروع خواهد شد. آجانام از همه هندوان که این ملک را داشتند

پیشتر بود. پتهورا از پستترین ایشان که مسلمانان ملک هندوستان از دست او گرفتند و شهر ناگور بیشتر آبادان کرده پتهوراست و پتهورا را امیرآخور می‌بود او را گفت که برای طویله‌های اسپان جای قابل که در آنجا شهری آبادان کنم تفحص کن.^۹ میرآخور بسیار گشت چون در زمینی که ناگور آبادان است رسید. میشی دید که بچه زاییده است و گرگ براو حمله می‌کند و آن میش بچه را پس انداخته، متوجه آن گرگ شده است. چون این حالت را معاینه کرد، گفت: «این جایگاه مردانه است و آب و گیاه آن صحرا برای اسپان مفید دید در آنجا شهری بنا کرد و نام او «توانگر» داشت یعنی «شهر نو» چون لشکر سلطان معزالدین سام در رسید و پتهورا را کشتند، در زمانِ ترکان این لفظ به ناگور تبدیل یافت^{۱۰}.

این بیانات شیخ عبدالحق برای تاریخ و جغرافیا اطلاعات دستِ اول و مفید و سودمند به نظر می‌آید، شیخ دربارهٔ صوفی بدهنی و خواجه قطب‌الدین بختیار کاکای واقعه‌ای را نقل می‌کند که اهمیت تاریخی دارد: خواجه قطب‌الدین و شیخ صوفی بدهنی به دست مغولان چنگیزخانی اسیر افتاده بودند، روزی تمام بندپان گرسنه و تشنه بودند به طریق خرق عادت خواجه کاک از بغل بیرون می‌آورد و شیخ صوفی کوزه آب به تمام بندپان می‌دادند و از آن باز خواجه کاکای لقب افتاد و شیخ صوفی را بدهنی که به زبان هندو بی‌کوزه مُراد است^{۱۱}.

در ذکر شیخ فریدالدین مسعود گنج شکر اطلاعی مفید که به مردمشناسی، علوم اجتماعی و جغرافیا و تاریخ مربوط است به دست می‌دهد و می‌گوید: «عاقبت در مقام اجودهن که مردم وی درشت خوی و ظاهر پرست و مُنکرِ درویشان بودند، آمد^{۱۲}. در شرح احوال شیخ سراج‌الدین عثمان می‌نویسد که شیخ: «بعد از چند سال برای دیدن والده به مقام لکهنوتی^{۱۳} که آلان به «گور» مشهور است می‌رفت^{۱۴} لکهنوتی در زمان شیخ به نام گور تبدیل شده بود دربارهٔ دعوت خان شهید از مصلح‌الدین سعدی^{۱۵} شیرازی، شیخ عبدالحق واقعه‌ای تاریخی را در ذکر امیرحسین بن علاء سنجرى دهلوی نقل می‌کند:

«اکثر اشعار را میرخسرو در زمان سلطان غیاث‌الدین بلبن^{۱۶} در مدح خان شهید است که پسر اوست و حاکم ملتان بود و امیرخسرو در ملازمت او می‌بود و این خان شهید التماس قدوم شیخ مصلح‌الدین سعدی شیرازی از شیراز نموده ولی

شیخ او را مبذول نداشته، فرمود که پیر شدیم و میل سیر هندوستان نماند و آنکه درباب ملاقات امیر خسرو با شیخ سعدی سخنان گویند اصلی ندارد.^{۱۷}

شیخ عبدالحق محدث دهلوی به هنگام ذکر شیخ احمد کھتو، درباره سلطنت سلطان احمد گجراتی و بنای شهر احمدآباد و تاریخ بنای مسجد جامع احمدآباد و همچنین احوال سلطنت گجراتیان مطالبی نقل می‌کند که همه جنبه تاریخی دارد و اطلاعات مفید و سودمندی است.

زمان مشیخت شیخ احمد^{۱۸} کھتو همان زمان سلطنت سلطان^{۱۹} احمد گجراتی بود که بنای احمدآباد ازوست و مُجمل احوال سلطنت گجراتیان آن است که سلطان محمد بن سلطان فیروز پادشاه دهلی شنید که در دیار گجرات فساد کُفّار بسیار شده است و در جانب دریا یکی خِطّه است که او را دیوپتن می‌خوانند و آنجا بتخانه مشهور است که او را سومنات^{۲۰} گویند و عامل ماضی که نظام مُفْرَح نام داشت نیز به هنجار نمی‌رود و سر از اطاعت بیرون کشیده است و در خِطّه که نهایت تجمل پادشاهی پیدا کرده و بر مسلمانان ظلم می‌کند و مال سوداگران را به زور می‌ستاند. سلطان محمد بن فیروز یکی از امرای خود که ظفرخان نام داشت به ولایت گجرات تعیین کرد تا دفع فساد مفسدان بکند. ظفرخان تا مُدّتی فتح‌های این دیار می‌کرد. اطاعت سلطان محمد می‌نمود و بعد از آن زمانی پسر او خود را محمد شاه لقب کرد و در سنه ستّ و ثمانمانه (۸۰۶) پادشاه ولایت گجرات شد و چند روز پادشاهی کرد.

هوای فتح دهلی در سروی افتاده بود، همان روز که متوجه این حدود شد وفات یافت و بعد از وی هم درین سنه پدر او ظفرخان نیز رسید و بر سر هر سلطنت نشست و خودر مظفر^{۲۱} شاه لقب کرد و سه سال و هشت ماه پادشاهی کرد. بعد از وی نبیره او سلطان احمد بن سلطان محمد پادشاه اعظم شد و شهر احمدآباد بنا کرد و سی و دو سال و شش ماه پادشاهی کرد و بعد از وی دیگران تا آلان که نام و نشانی از ایشان نمانده است. انالله و انا لله راجعون تاریخ بنای احمدآباد هشت صد و ده است و تاریخ بنای مسجد جامع وی «دوازده» که عدد لفظ «خیر و بخیر» بر آن دال است.^{۲۲}

شهر کالپی قبلاً به نام محمد آباد معروف بود. این مطلب را شیخ عبدالحق -

محدث دهلوی در ذکر شیخ علاءالدین قریشی گوالپری^{۲۳} آمده است و می‌گوید: «مقابر ایشان در میان شهر محمّدآباد عرف کالپی واقع است»^{۲۴}.

شیخ عبدالحق محدث دهلوی فقط آن دسته از اطلاعات تاریخی و جغرافیایی را که نقل کرده است که مستند است. او دربارهٔ قبر مسعود بک^{۲۵} می‌نویسد که: «قبر او در مقبرهٔ پیر اوست، قریب مقام خواجه قطب‌الدین در لاد و سرای^{۲۶}، بسیار مجردانه و غریبانه خفته است، قدس سره^{۲۷}».

دربارهٔ روضه شیخ حمیدالدین ناگوری و خواجه حسین ناگوری نوشته است که: «عمارتی که بر سر قبر خواجه حسین ناگوری است ساختهٔ سلطان غیاث‌الدین خلجی است و دروازهٔ روضه شیخ حمیدالدین که در ناگور است ساختهٔ یکی از ملوک مندواست که بعد از وی ساخته است و عمارتی که دروازهٔ روضهٔ شیخ در ناگور است هم بنای اوست و نیز چهار دیوار مقبرهٔ ناگور ساختهٔ سلطان محمّد تغلق است»^{۲۸}.

شهرهای اُچه^{۲۹} و ملتان^{۳۰} اهمیت تاریخی دارند و شیخ عبدالحق دربارهٔ تاریخچهٔ شهر اُچه در بیان شرح حال مخدوم شیخ عبدالقادر می‌نویسد: والدۀ شریفه حضرت مخدوم ثانی سیده بود. بنت شیخ ابوالفتح که از اولاد سید صفی‌الدین کازرونی خواهرزادهٔ شیخ ابوالحسن کازرونی بود و بنای بلده اُچه و عمارت از سید صفی‌الدین شده است و قصهٔ آبادانی او را چنان نقل می‌کنند که شیخ ابواسحق کازرونی^{۳۱} بعد از عطای نعمت خلافت به سید صفی‌الدین حکم کرد که بر اشتیری سوار شو و هر جانب که آن اُشتر برود تو نیز برو و آنجا که بنشیند مقام ساز و متوطن شو چون به این سرزمین که اُچه آنجاست رسید. شتر بنشست و برنخاست. هم آنجا به حکم اشارت شیخ توطن کرد و شهر اُچه آبادان ساخت. گویند که زمین اُچه و صحرای او کیفیتی و حالتی دارد که در زمینهای دیگر نیست، البته کسی را به وادی فراق و دیوانگی می‌برد^{۳۲}.

شیخ عبدالحق محدث دهلوی دربارهٔ سلطنت سلطان سکندر^{۳۳} این اطلاع مهم را در ضمن شرح حال ملک زین‌الدین نقل می‌کند: «تاریخ جلوس او بر سریر سلطنت و امارت سنهٔ اربع و تسعین و ثمانمایه و مُدّت سلطنت سی و نه سال^{۳۴}». مقصود این است که شیخ عبدالحق محدث دهلوی در اخبارالاکخیار فی اسرار

اهمیت تاریخی و جغرافیایی اخبار الانحیاری _____ ۷۵

الابرار اطلاعات تاریخی و جغرافیایی فراوانی آورده است که برای پژوهندگان در رشته‌های تاریخ و جغرافیا می‌تواند بسیار سودمند باشد.

پاورقیها

- ۱- وفات: ۲۱ ربیع الاول ۱۰۵۲ هـ ق / ۳۰ می ۱۶۴۲ م - مقبره وی نزدیک به حوض شمسی (نزدیک مهرولی) واقع است.
- ۲- اخبارالاکخبار فی اسرار الابرار، ص: ۳۰ برای اطلاع بیشتر درباره فرام آمدن این کتابها نک: محمد صادق دهلوی کشمیری همدانی. با تصحیح و تحقیق و مقدمه دکتر محمدسلیم اختر، اسلام آباد، ۱۹۹۰ م، مقدمه مصحح (سرديبر).
- ۳- همان، ص: ۳۱
- ۴- «برن» نام قدیم «بلند شهر» است که فعلاً در ایالت اترپرادش واقع است.
- ۵- پتهورارای شاه قدرتمند سلسله چوهان در راجستان بود. حبیب‌الله ذکر جمیع اولیای دهلی به اهتمام شریف حسین قاسمی تونک (راجستان)، ۱۹۸۸ م، ص: ۱۶۲.
- ۶- معزالدين محمد بن سام از امرای غوریه پس از مرگ برادرش، غیاث‌الدین محمد بن سام (د). ۵۹۹ هـ ق) به پادشاهی رسید (مک ۹۹۰ هـ ق / ۳-۱۲۰۲ م - ف. ۶۰۲ هـ ق / ۶-۱۲۰۵ م) او به دست یکی از فداییان ملاحده کشته شد. فرهنگ فارسی، دکتر محمد معین، ج ۶، ص: ۱۹۹۸.
- ۷- اخبار الاکخبار ص: ۶-۵۵.
- ۸- فعلاً جایی معروف است در ایالت راجستان که آنرا «پشکرنات» می‌گویند و آن حوض معروف هندوان است.
- ۹- اخبار الاکخبار ص: ۹-۵۸.
- ۱۰- همان، ص: ۵۹.
- ۱۱- اخبار الاکخبار ص: ۵۹.
- ۱۲- همان، ص: ۷-۱۱۶.
- ۱۳- شهری بوده است در انتهای خاوری بنگاله، فرهنگ فارسی معین / اعلام.
- ۱۴- اخبار الاکخبار ص: ۱۹۰.
- ۱۵- شرف‌الدین مصلح بن عبدالله شیرازی، نویسنده و گوینده بزرگ قرن هفتم هجری (ف. بین ۶۹۱-۶۹۵ هـ ق / ۱۲۹۱ و ۱۲۹۶ م)، معین، اعلام.

اهمیت تاریخی و جغرافیایی اخبار الاخیار _____ ۷۷

۱۶- غیاث‌الدین بلبن (ملقب به الغ خان) از سلاطین مملوک دهلی (حک. ۶۶۴-۶۸۵ /

۱۲۶۵-۱۲۸۶م) فرهنگ فارسی معین، اعلام.

۱۷- اخبار الاخیار ص: ۲۱۹.

۱۸- ولادت ۷۲۷ هـ ق ۸۴۹/۱۳۲۶-۱۴۴۵م.

۱۹- ابن تاتارخان بن مظفر، دومین پادشاه از سلاطین گجرات هند (جد. ۸۱۳-۸۴۷ / ۱۴۱۱م

۱۴۴۳م، فرهنگ فارسی، معین، اعلام.

۲۰- یکی از بزرگترین بت‌خانه‌های هندوستان که محمود غزنوی آن را خراب کرد و بت آنرا

شکست همان، اعلام.

۲۱- مظفر شاه اول، از سلاطین گجرات (حاکم گجرات ۷۹۴ هـ ق؛ استقلال ۷۹۹ هـ ق) وی پسر

یکی از افراد طایفه راجپوت بود که اسلام آورد. پس از آنکه ظفرخان در حکومت مستقل

شد، راجه‌های راجپوت و قبیله وحشی ییل او را دور کردند و متصرفات وی محدود گردید.

احمد شاه اول جانشین او گردید. فرهنگ فارسی معین، اعلام.

۲۲- اخبار الاخیار، ص: ۱۶۷.

۲۳- ۵۸۹ - ۷۳۰.

۲۴- اخبار الاخیار ص: ۳۵۳.

۲۵- اسم اصلی او شیرخان بود و کتاب مرآة‌العارفین او معروف است و بیتی از مرآة‌العارفین در

اخبار الاخیار قید شده است که چنین است:

ما نسخه محمد مرسل فتاده‌ایم زیرا که هر ولی است بدین نسخه نبی

اخبار الاخیار، ص: ۴-۳۶۳.

۲۶- آلان جایی معروف است در دهلی نو.

۲۷- اخبار الاخیار ص: ۳۶۴.

۲۸- شیخ حمیدالدین ناگوری را محمد بن عطا هم می‌گویند. (ولادت ۵۱۵-۶۲۵ /

۱۱۲۱-۱۲۳۷م) نک: اخبار الاخیار، ص، ۸۵.

۲۹- شهری است در صوبه بهاولپور در ایالت پنجاب در ساحل شرقی رود پنجاب به مسافت

هفتاد میل از جنوب غربی مولتان و چهل میل از شمال شرقی مصب حالیه رود پنجاب رود

پنجاب در رود سند.

۳۰- شهری در جنوب پنجاب، در پاکستان غربی و مرکز صنایع فلزی و سنجایی است.

۳۱- ابراهیم بن شهریار بن زادن فرخ بن خورشید معروف به شیخ ابوالسحق کازرونی و شیخ مرشد عارف قرن پنجم (۵/۴۲۶-۱۰۳۴ م) مولد اوقریه «نورد» کازرون - فرهنگ فارسی معین، اعلام.

۳۲- اخبارالانخبار ص، ۴۳۵.

۳۳- سلطان سکندر در سنه ۸۹۴ هـ ق / ۹-۱۴۸۸ م برتخت سلطنت جلوس کرد و تا سال ۹۲۳ هـ ق / ۱۵۱۷ م از جهان فانی رخت سفر بریست. اخبارالانخبار، ص ۴۷۱.

۳۴- همان، ص: ۴۷۱.